بررسی اقوال ذیل روایت اسحاق بن عمار در رؤیت قبل از زوال

- طرح سه احتمال در روایت اسحاق به عمار توسط وحید بهبهانی و میل ایشان به احتمال دوم؛ انتساب احتمال سوم به وحید در مصباح سید بحرالعلوم و عدم ذکر احتمال دوم
- احتمال سوم از احتمالات سه گانه وحید بهبهانی، در روایت اسحاق بن عمار؛ «فاتمّ» مربوط به سیام ماه رمضان است

طرح سه احتمال در روایت اسحاق به عمار توسط وحید بهبهانی و میل ایشان به احتمال دوم؛ انتساب احتمال سوم به وحید در مصباح سید بحرالعلوم و عدم ذکر احتمال دوم

می‌فرمایند: **«الثاني: ما ذكره بعض مشايخنا المحقّقين (دام ظلّه العالي) و هو أن المراد وجوب الإتمام لو وقع الاشتباه في آخر شهر رمضان»؛** خُب مرحوم سید این را به استاد نسبت می‌دهند. اما همانطوری که من عرض کردم در دو جای رساله ایشان هست. لذا مشکوک شدم که آیا منظور از «بعض مشایخنا المحققین» وحید هستند یا نه. لذا باید تحقیق بیشتری کرد. وحید در ابتدای این مقاله، این را می‌گویند، بعد می‌گویند «فتامل». ذیل آنکه دوباره به همین حدیث بر می‌گردند سه احتمال را مطرح می‌کنند و خود ایشان، احتمال اوسط را ترجیح می‌دهند که به مختار سید نزدیک است؛ اما به این معنا که اگر روزه هست و قبل از زوال دیده شد، تغییر نیت بدهد. یعنی کاشف از دیشب است. معلوم می‌شود که دیشب ماه بوده اما او ندیده، و حال قبل از زوال به‌عنوان اماره دیشب، آن را دید، حال واجب است که آن را تمام کند. یعنی حال واجب است که از سیام شعبان به اول ماه مبارک عدول نیت کند. چون این رؤیت قبل از زوال کاشف از این است که در دیشب امکان رؤیت داشته.

> 12:56

احتمال سوم از احتمالات سه گانه وحید بهبهانی، در روایت اسحاق بن عمار؛ «فاتمّ» مربوط به سیام ماه رمضان است

علی ای حال ایشان سه احتمال را مطرح میکنند؛ احتمال سوم - که همین حرف است - را در آن جا خیلی قوی نمیدانند. در ذیل رساله به این صورت فرمودهاند.

حال من فعلاً عبارت سید را بخوانم تا ببینیم ایشان چه فرمودهاند.

«و هو أن المراد وجوب الإتمام»؛ باید روزه را تمام کند، اما نه بهعنوان اول ماه مبارک در سیام شعبان، بلکه **«لو وقع الاشتباه في آخر شهر رمضان»؛** اگر سیام شهر مبارک باشد. از کجا این را میگویید؟ **«و استدل عليه بقوله عليه السّلام: فأتم صومه إلى الليل»؛** معلوم میشود که یک صومی هست که باید تمام کنی. همین استدلالی است که چندبار از آن صحبت شد.

«فإنّه»؛ قول امام ع **«يقتضي أن يكون هناك صوم محقّق»؛** صوم محقق یعنی روزه را گرفته باشد، **«أو مفروض التحقّق»؛** یعنی فرض تقدیر صوم در آن جا باشد. فرض بگیریم که روزه را گرفته است. جالب این است که میگویند در روایت نه صوم محقق داریم و نه صوم مقدّر. **«حتّى يصح الامر بالإتمام، و لم يتحقّق شيء منهما»؛** در این روایت نه روزه محقق داریم که حضرت بگویند «اتمّ»، و نه حتی فرض تحقق آن را داریم که حضرت بگویند «اتمّ».

خُب چرا خودش را نداریم و چرا فرض آن را نداریم؟ دیروز مقدمه اینها را عرض کردم. میگویند خودش را نداریم چون حضرت فرمودند روزه نگیر؛ «لاتصم». وقتی میگویند روزه را نگیر، یعنی صوم محقق نداریم. خُب چرا فرضش را نداریم؟ میگویند اگر به نیت شعبان گرفته باشد که مانعی ندارد، حضرت نهی کردند «علی انه من شهر رمضان» روزه نگیر. پس صوم محقق علی انه من شهر رمضان ندارید. چون حضرت نهی نکردهاند. چرا صوم مقدر نداشته باشیم؟! یعنی انه صام علی انه من شعبان، حال که معلوم شد، «جدّ النیة» و حال صوم شهر مبارک را تمام کن. این روزه مقدر میشود. یعنی فرض گرفتیم اول به نیت ماه شعبان بود و ای هیچ چیزی نخورده بود و بدون نیت بود. میگویند این هم نیست. نکته قشنگی است که دیروز در آخر مباحثه گفتم. میگویند چرا حتی فرض صوم ندارید؟

«كيف و قد نهي صوم[ه] في صدر الحديث و أمر بقضائه إن شهد عليه أهل بلد آخر». در کتاب رؤیت هلال همینطور که می‌بینید آمده «قد نهی صوم فی صدر الحدیث». از مصابیح علامه بحر العلوم دو نسخه در کتابخانه مجلس داریم؛ یکی نسخه ۱۶۳۳۳ و یکی هم نسخه 16413. ناسخ اولی حاج ابراهیم زاده تبریزی است که در سال ۱۲۲۸ آن را نوشته‌اند.

شاگرد: شما «مفروض التحقق» را یک طور دیگری خواندید.

استاد: «مفروض التحقق» است.

شاگرد۲: «مقدّر» فرمودید.

استاد: «مفروض» است. **«فإنّه يقتضي أن يكون هناك صوم محقّق أو مفروض التحقّق حتّى يصح الامر بالإتمام، و لم يتحقّق شيء منهما في يوم الثالثين من شعبان»**. من «مفروض» را به‌معنای «مقدر» گرفتم. «قدّره» به‌معنای «فرضه» خیلی کاربرد دارد.

«كيف و قد نهي صوم[ه]»؛ «صومه» در نسخه اولی است. نسخه حاج ابراهیم زاده تبریزی. در نسخه دومش هم عبارت به این صورت است: «نهی عن الصوم». در نسخه کتاب رؤیت هلال نه «صومه» آمده و نه «عن الصوم» و حال اینکه حتماً به اینها نیاز است. ای ضمیر می‌خواهد که «صومه» بشود ای «عن»؛ «نهی عن الصوم».